



بروکینگز، خطرات قطع ارتباط ایالات متحده و چین را ارزیابی کرد:

سنجیدن قبل از پریدن

جاناتان دی. پولاک (.) و جفری ای. بادر (.)، در گزارشی با عنوان «سنجیدن قبل از پریدن: ارزیابی خطرات قطع ارتباط ایالات متحده و چین» به موضوع افزایش دیدگاه خصمانه آمریکا نسبت به چین پرداخته‌اند. این گزارش در جولای ۲۰۱۹ توسط بروکینگز منتشر شد.

در سال‌های اخیر دیدگاه‌های آمریکایی‌ها نسبت به چین (به خصوص در میان نخبگان) به شکل فزاینده‌ای حالت خصمانه به خود گرفته‌اند. با آن که این مسئله تا حدودی به رفتار چین و سیاست‌های دولت ترامپ مربوط می‌شود، این چرخش‌ها در طرز فکر ایالات متحده بیانگر نارضایتی گسترده‌تری نسبت به پیامدهای ظهور پکن به عنوان یک قدرت نوظهور جهانی و احتساب چین به عنوان خطری بسیار بزرگ‌تر برای منافع تجاری، سیاسی و امنیتی ایالات متحده است. از نظر بسیاری، سؤال اساسی، دیگر این نیست که چگونه باید روابط با چین را مدیریت کرد، بلکه مسئله چگونگی مقابله به مثل کردن با چین و (در صورت امکان) ایجاد مانع بر سر راه پیشرفت این کشور در دستیابی به جایگاه یک قدرت برتر جهانی است.

جناح‌های سیاسی چپ و راست در ایالات متحده هر دو دیدگاه‌های خصمانه‌ای نسبت به چین دارند، اگر چه دلایل هر یک از آنها کاملاً متفاوت از دیگری است. این چرخش‌های به مراتب مشهودتر در تفکر کنونی، از جریان روشنفکری و منافع تجاری در کانون گفتمان سیاست ایالات متحده نشأت می‌گیرند. به خودی خود یا به واسطه طراحی، اکنون دیدگاه میانه‌رو با احساسات در دولت ترامپ و در جناح‌های چپ و راست این شکاف سیاسی با هم همراه شده‌اند و همگی بر این اعتقاد هستند که اهداف سیاسی و نیات راهبردی چین روز به روز اهریمنی‌تر می‌شوند.

نقش نوظهور اقتصادی و تکنولوژیک چین و رجوع رهبری آن به راهبرد اقتصاد دولتی، نقطه کانونی بخش اعظم مباحثات سیاسی در ایالات متحده بوده است. نظریات سخت‌گیرانه‌تر بر این باورند که پیشرفت چین به لحاظ فکری منجر به تضعیف قدرت آمریکا و گرفتن جایگاه رهبری منطقه‌ای و نهایتاً جهانی از ایالات متحده خواهد شد. بر اساس این ارزیابی بدبینانه، این چرخش‌های قدرت متضمن جدایی بین دو تا از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان و تلاشی متوازن برای جدایی راهبردی هستند.

در میان سیل انبوه صداهای ناراضی که در ایالات متحده به گوش می‌رسند، توجه بسیار کمی به این موضوع شده است که اتخاذ مواضع خصمانه در قبال چین به کجا ختم خواهد شد. چین در حال حاضر در تجارت جهانی از جایگاه ممتازی برخوردار است که عمیقاً با زنجیره عرضه که در برگیرنده شرکا و هم‌پیمانان ایالات متحده نیز می‌شود، گره خورده است.

این کشور به طور فعال در سرمایه‌گذاری زیرساختی در سراسر آسیا، آفریقا و اروپا، از جمله به عنوان یک وام دهنده چندجانبه، مشارکت دارد. محصولات این کشور (شامل برخی از بخش‌های دارای فناوری برتر مثل مخابرات) در بازارهای جهانی از قیمت‌های رقابتی برخوردار بوده و به خوبی از آنها استقبال می‌شود. شاید مهم‌تر از همه این باشد که در خارج از ایالات متحده هیچ حمایت معناداری برای ممانعت از کسب جایگاه رو به رشد چین در اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی وجود ندارد.

اگر نخبگان چینی و افکار عمومی در این کشور به این نتیجه برسند که ایالات متحده قصد دارد مانع دستیابی چین به جایگاه قانونی خود در امور جهانی شود، هیچ کس نباید انتظار داشته باشد که پکن فرمانبردار بوده و سر تسلیم فرو آورد. در عین حال، هیچ یک از همسایگان چین، حتی آنهایی که از رشد قدرت این کشور ناراضی هستند، مایل نیستند در تقابل بین ایالات متحده و چین بین این دو کشور قرار گیرند.

برای واشنگتن و پکن هر دو، بازسازی یک نظم قانون‌مدار با بردباری و عدم امتیازگیری یک جانبه از سوی هر یک از طرفین تنها مسیر معتبر رو به جلو خواهد بود. به جای تکرار متقابل رفتار بیگانه‌هراسانه یا پارانویایی چین، ایالات متحده باید روی اقدامات و روابط متقابل برای ارتقا بازبودن [۱]، حرکت تهاجمی جهت باز کردن بازارهای چین، استقبال از بازدیدکنندگان و پژوهشگران چینی و دفاع از هم‌پیمانان خود پافشاری کند. ایالات متحده همچنین نیاز دارد سیاست‌های شکست خورده داخلی خود را ترمیم کرده و سرعت حرکت نزولی جهانی‌سازی را در داخل کشور کاهش دهد تا به این وسیله مقصر جلوه دادن چین را کمرنگ کند. بدون چنین اقداماتی، منطقه و جهان به طور اجتناب‌ناپذیری به سمت رقابت بی حد و حصر یا بدتر از آن پیش خواهد رفت - وضعیتی که به نفع هیچ کشوری از جمله ایالات متحده نخواهد بود.

برای مطالعه و دریافت متن کامل گزارش، از لینک دانلود زیر استفاده کنید.

توجه: مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و همچنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند.